



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۱۰-۸۵

تحلیل گفتمان انتقادی در روایت‌های زنان تحت خشونت خانگی بر اساس مدل کنشگران اجتماعی ون لیون^۱

جلال رحیمیان^۲، زهرا جهانبانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲۸/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روایت‌های زنان از تجربه شخصی خود نسبت به خشونت‌های خانگی اعمال‌شده بر آن‌ها و آشکار ساختن ایدئولوژی تولیدکنندگان روایت‌ها نسبت به خود و افراد خشونت‌گر انجام شده است. به این منظور، پنجاه روایتی که مستقیماً به وسیله زنان خشونت‌دیده نقل شده بود، به صورت تصادفی انتخاب شده و با استفاده از مدل کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, T. (2008)) بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در روایت‌های مورد بررسی، کنشگران به صورت برجسته نشان داده شده‌اند و برای بازنمایی افراد خشونت‌گر، در مقایسه با افراد خشونت‌دیده، به میزان بیشتری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی استفاده شده است. تفاوت کاربرد برخی از مؤلفه‌ها برای بازنمایی افراد خشونت‌گر و افراد خشونت‌دیده چشمگیر است. این تفاوت می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که زنان خشونت‌دیده جایگاه مناسبی برای خود در نظر نمی‌گیرند؛ در متحمل شدن خشونت، افزون بر اینکه افراد خشونت‌گر را عامل اصلی می‌دانند، احتمالاً خود را هم تا اندازه‌ای گناه‌کار می‌دانند؛ اعضای خانواده خود را، حتی در مواردی که بی‌گمان خشونت‌گر هستند، به طور منفی ارزش‌گذاری نمی‌کنند؛ و نگاه بالا به پایینی که جامعه نسبت به زنان دارد، در گفتار و در نتیجه در ایدئولوژی خود زنان هم نمایان است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی کنشگران اجتماعی، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، خشونت خانگی، خشونت‌دیده، خشونت‌گر.

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.33047.1921

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.1.3.6

^۲ استاد زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛ ir@rahimian@rose.shirazu.ac

^۳ دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ ir@z.jahanbani@shirazu.ac

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که به بررسی رابطه بین زبان و اندیشه می‌پردازد و ایدئولوژی نهان در پس‌متن‌ها را کشف می‌کند. ضرورت تحلیل گفتمان انتقادی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که گفتمان‌ها را شکل می‌دهند، گفتمان‌ها را با جهان‌بینی و تفکر ویژه خود در هم می‌آمیزند و آن‌ها را چنان طبیعی جلوه می‌دهند که مردم آن گفتمان و پذیرش جهان‌بینی و تفکر پنهان در ورای آن را امری طبیعی و منطقی می‌پندارند و می‌انگارند که آزادانه و با انتخاب خود اندیشیده‌اند، پیش‌داوری کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند (Aghagolzadeh, 2006, 9). به باور ون لیون (Van Leeuwen, 2008)، زبان بارتاب‌دهنده ایدئولوژی است و با مطالعه زبان منعکس شده در متون یا گفتمان می‌توان به ایدئولوژی آن متن یا گفتمان پی برد. به عقیده فر کلاف، تحلیل گفتمان انتقادی یعنی آشکارسازی ارتباطاتی که از چشم افراد جامعه پنهان است، نظیر رابطه بین زبان، قدرت و جهان‌بینی (Fairclough, 1989). تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد شناخت و آگاهی مردم نسبت به نقش زبان در شکل‌دهی، حفظ یا تغییر روابط قدرت را افزایش دهد (Fairclough, 2001). فاولر (Fowler, 1991) معتقد است که خواننده می‌تواند با استفاده از امکانات تحلیل گفتمان انتقادی، جهان‌بینی نهفته در متون را رمزگشایی کند. فوکو معتقد است که گفتمان بزرگ‌تر از زبان است و علاوه بر زبان، پدیده‌های اجتماعی دیگر بسیاری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و هرچیزی هویت خود را از گفتمانی که در آن قرار دارد، به دست می‌آورد (Jorgenson & Philips, 2002).

در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان دارای دو سطح زیرین و زیرین است. در سطح زیرین، ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار وجود دارد و در سطح زیرین، ایدئولوژی و جهان‌بینی تولیدکننده آن گفتمان نهفته است. «ساختارهای گفتمان‌مدار ساختارهایی هستند که به کارگیری و یا عدم به کارگیری آن‌ها و تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت دیگر در گفته و یا متن باعث می‌شود که از گفته، برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و یا مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته را برجسته نماید و بخش دیگری را در حاشیه قرار دهد» (Yarmohammadi, 2004, 166).

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، کنشگران اجتماعی را به تصویر می‌کشند. کنشگران اجتماعی یعنی همه افرادی که در یک گفتمان حضور دارند، به کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی به گونه‌های مختلف در گفتمان بازنمایی می‌شوند. در تحلیل گفتمان انتقادی، این باور وجود دارد که بیشتر متن‌ها دارای بار ایدئولوژیکی هستند و پیشامدها و رویدادها از دیدگاه ویژه‌ای گزارش

می شوند؛ در نتیجه، می توان با استفاده از این رویکرد، ایدئولوژی های غالب در متن های گوناگون را باز کاوی کرد. این پژوهش، نیز بر آن است تا با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی یکی از مسئله های مهم در ایران و حتی در جهان، پردازد. مسئله، خشونت خانگی علیه زنان است، و ابزار مورد استفاده برای بررسی، الگوی کنشگران اجتماعی^۱ و ون لیون (Van Leeuwen, 2008) است.

بر خلاف بیشتر الگوهای رایج در تحلیل انتقادی گفتمان که ابزارهای زبانی مانند اسم سازی و حذف فاعل در ساخت مجهول از مبنای تحلیل قرار می دهند، ون لیون مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی را ملاک تحلیل قرار می دهد. زیرا بر این باور است که بین شاخص های زبان شناختی و نقش آنها رابطه صد درصد مستقیم وجود ندارد و بررسی مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی شناخت عمیق تری از متن به دست می دهد. دوماً، معنا و منظور از فرهنگ گویشوران سرچشمه می گیرد نه از زبان (Van Leeuwen, 2008). ون لیون (Van Leeuwen, 1993) معتقد است که همه کارهایی که مردم انجام می دهند کردار اجتماعی به شمار می آیند و مهم ترین عناصر کردار اجتماعی مشتمل اند بر الف) شرکت کنندگان در کردار اجتماعی (کنشگرهای اجتماعی)؛ ب) فعالیت هایی که شرکت کنندگان در آن حضور دارند (کنش)؛ و ج) واکنش هایی که شرکت کنندگان از خود نشان می دهند (واکنش) (Van Leeuwen, 1993, p.30). در این پژوهش به بررسی شیوه های بازنمایی کنشگران اجتماعی پرداخته شده است.

خشونت خانگی به تازگی در ایران به طور رسمی تری مورد توجه قرار گرفته است. خشونت خانگی را می توان مجموعه ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر دست به دامن آنها می شود (Khani et al., 2011). خشونت خانگی از رایج ترین انواع خشونت های مبتنی بر جنسیت است که شامل آزارهای جسمی، روانی، کلامی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی است. بیشترین افرادی که از خشونت خانگی رنج می برند، زنان و دختران هستند. خانه اغلب به عنوان پناهگاه امن انگاشته می شود، ولی خشونت خانگی بخشی از تجربه اغلب زنان است. خشونت علیه زنان پیامدهای ویرانگری به ویژه در سطح خانواده دارد؛ احساس ناشایستگی زن در مدیریت خانواده، از کار افتادگی جسمی و روحی زن، عدم کارآیی زن در محیط کاری، خدشه دار شدن شرافت و عزت نفس زن، کاهش منزلت خانوادگی و اجتماعی زن، پناه آوردن زن به داروهای روان گردان، الکل، مواد مخدر، قمار و فال گیری، خودکشی، احساس درماندگی، افسردگی مزمن و موارد مشابه از جمله تأثیرات منفی رفتارهای خشونت آمیز مردان علیه زنان در

¹ social actors

خانواده است (Sidiq Sarvestani, 2005, 107). افزون بر موارد بالا، فرزندان این‌گونه خانواده‌ها شدیداً از مشکلات و نابهنجاری‌های رفتاری مانند منزل‌گریزی، پرخاشگری، افسردگی و بی‌اعتنایی نسبت به دیگران، افت تحصیلی و موارد مشابه رنج می‌برند و رفتارهای نابهنجاری مانند دزدی، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و از لحاظ احساسی نفرت نسبت به پدر و حتی قصد کشتن او، نفرت از مادر و جانب‌داری از رفتار پدر را از خود نشان می‌دهند (Ezazi, 2005, 28). بنابراین، توجه به این مسئله و بررسی آن از جنبه‌های مختلف می‌تواند راه‌گشا باشد. این پژوهش بر آن است تا روایت‌های زنانی که انواعی از خشونت خانوادگی را تجربه کرده‌اند، با استفاده از مدلی کاملاً زبانی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. به بیان دیگر، در این پژوهش، با بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در این روایت‌ها، ایدئولوژی تولیدکنندگان این متن‌ها کشف می‌شود و نیز ابزارها و راهبردهایی که این زنان برای متقاعد کردن یا تأثیر گذاشتن بر مخاطبان خود به کار می‌برند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: نخست اینکه، در روایت‌های زنانی که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند، کنشگران اصلی بیشتر با چه مؤلفه‌هایی بازنمایی شده‌اند؟ دوم آنکه، کدام‌یک از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی الگوی ون لیون بیشترین کاربرد در روایت‌ها را دارند؟ سوم اینکه، مؤلفه‌های پر کاربرد برای بازنمایی چه کنشگرانی به کار رفته‌است؟ چهارم آنکه، نگرش کلی زنانی که خشونت خانگی تجربه کرده‌اند، نسبت به خود و فرد خشونت‌گر چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی به صورت جداگانه در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی و در حوزه خشونت علیه زنان انجام شده‌است. در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه خشونت علیه زنان نیز پژوهش‌هایی در کشورهای مختلف انجام گرفته، ولی در ایران بیشتر پژوهش‌های زبانی انجام گرفته در حوزه خشونت علیه زنان، در زمینه‌هایی مانند جنسیت‌گرایی در واژگان، معنا و اصطلاحات است. به هر حال، نیاز به پژوهش‌هایی از نوع آن‌چه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود به شدت محسوس است. در ادامه، به برخی از پژوهش‌هایی که با استفاده از الگوی ون لیون در ایران انجام شده‌است، می‌پردازیم.

یارمحمدی و سیف (Yarmohammadi & Seif, 2004) با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی الگوی ون لیون (Van Leeuwen, 1996)، گزیده‌هایی از روزنامه‌های فارسی و انگلیسی در مورد درگیری‌های اسرائیل و فلسطین را تجزیه و تحلیل کردند. آن‌ها نشان دادند که بین ساختارهای گفتمان‌مدار و ساخت ایدئولوژیک ارتباط دوسویه وجود دارد. همچنین،

در همه فرهنگ‌ها از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار یکسانی استفاده می‌شود، هر چند بسته به دیدگاه تولیدکننده متن، میزان بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها و نوع آن متفاوت است. پهلوان‌نژاد و همکاران (Pahlavannezhad et al., 2009) بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه را با استفاده از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی ون لیون بررسی کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که همه این نشریه‌ها از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی بهره گرفته‌اند، ولی میزان بهره‌گیری آن‌ها از مؤلفه‌ها یکسان نیست. هر چند، این تفاوت به اندازه‌ای نیست که ایدئولوژی متفاوتی را نشان دهد. بلکه بر عکس، دیده شده که ایدئولوژی پنهان در لایه‌های زیرین این متن‌ها تقریباً یکسان است. ترتیب بهره‌گیری از مؤلفه‌ها از این قرار است: تشخص بخشی، فعال‌سازی، تشخص زدایی، حذف و منفعل‌سازی. این شیوه غالب بازنمایی نشان داد که این متون، کارگزاران را به صورت انسان‌هایی فعال، پویا و تأثیرگذار بازنمایی می‌کنند؛ که این به نوبه خود روح انقلابی مردم و پویندگی جامعه آن روز را نشان می‌دهد.

آقاگل‌زاده و همکاران (Aghagolzadeh et al., 2013) میزان بی‌طرفی رسانه‌های مهم بین‌المللی در اخبار پرونده اتمی ایران به ویژه در بازنمایی کنشگران اصلی آن را با استفاده از مدل کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008; quoted in Aghagolzadeh et al., 2013) بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که رسانه‌های مهم بین‌المللی گرچه ادعای بی‌طرفی در اخبار می‌کنند، ولی رویکرد آن‌ها هدفمند و جانب‌دارانه بوده و افزون بر اینکه کنشگران ایرانی را از رویدادهای مثبت حذف می‌کنند، با استفاده از راهبردهای نام‌دهی و هویت‌بخشی می‌کوشند تصویری منفی، بی‌منطق و افراطی از کنشگران ایرانی نشان دهند. در حالی که برعکس، کنشگران غربی را افرادی متعادل، منطقی و صلح‌طلب نشان می‌دهند. آشکار است که این سیاست‌ها کاملاً مغرضانه و هدفمند انجام می‌گیرد.

صحراگرد و شیروانی (Sahragard & Shirvani, 2013) با اعتقاد به اینکه ایدئولوژی و قدرت مهم‌ترین نقش را در تحلیل گفتمان دارند، هویت شهروندان ایرانی مهاجر را در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور بازنمایی کردند. داده‌های پژوهش از دو روزنامه کیهان و همشهری و سایت‌های ایرانیان دات کام و خبر آنلاین گردآوری شده و چارچوب پژوهش، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی الگوی ون لیون بود. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین میزان معناداری هر روزنامه با روش‌های آماری، معلوم شد که میزان رازگونگی روزنامه‌های داخلی بیشتر از روزنامه‌های خارج از کشور بوده است.

اسدی و همکاران (Asadi et al., 2015) متونی از روزنامه‌های «شرق»، «اعتماد»، «رسالت» و «کیهان» را با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی ون لیون (Van Leeuwen, 1996; quoted in Asadi et al., 2015) بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کارایی برخی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی بیشتر است، به ویژه مؤلفه‌هایی مانند تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی و تفکیک کردن. همچنین، به این نتیجه رسیدند که میان ایدئولوژی و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار رابطه دوسویه برقرار است و از طریق بررسی این مؤلفه‌ها می‌توان به ایدئولوژی نهفته در متون، که همان ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان است، پی برد. حلاج‌زاده بناب و همکاران (Hallaj Zadeh Bonam et al., 2018) با هدف بررسی چگونگی بهره‌مندی جامعه آماری از ابزارهای زبانی، گفتمان ۲۰ زن ۲۵ تا ۴۵ ساله خواستار طلاق در دادگاه‌های خانواده شهر زاهدان را بر مبنای الگوی جامعه و گفتمان ون دایک (van Dijk, 2006; quoted in Hallaj Zadeh Bonam et al., 2018) مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نگارندگان نشان داد که جامعه آماری پژوهش، از تمامی ابزارها و راهبردهای نحوی، بلاغی و واژگانی استفاده کردند تا کنش‌های درست خود و عملکردهای نادرست همسران خود را بزرگ‌نمایی کنند. همچنین، بیشترین بزرگ‌نمایی مربوط به کنش‌های نادرست همسران و اطرافیانش بوده و به کوچک‌نمایی کنش‌های نادرست خود و کنش‌های درست فرد مقابل کمتر پرداخته شده بود. به بیان دیگر، جامعه زن‌های مورد بررسی از دو ضلع مربع ایدئولوژیک ون دایک که برای کوچک‌نمایی کنش‌های نادرست خود و عملکردهای درست فرد مقابل است، کمتر پیروی کردند.

رحیمیان و محمدپور (Rahimian & Mohammadpour, 2019) بازنمایی شخصیت زنان در داستان «مالیخولیای محبوب من» اثر بهاره رهنما (۱۳۹۴) را با بهره‌گیری از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیون (Van Leeuwen, 2008; quoted in Rahimian & Mohammadpour, 2019) بررسی کردند. نگارندگان با اعتقاد به اینکه متون ادبی، داستان‌ها و رمان‌ها همانند دیگر متون در راستای برقراری ارتباط هستند و در نتیجه می‌توان با نگرش و روش انتقادی آن‌ها را تحلیل نمود، ساختارهای هماهنگ با هدف پژوهش را انتخاب و سپس با الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیون (همان) بررسی و تحلیل کردند. تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که نویسنده کتاب «مالیخولیای محبوب من» به دنبال این است که دختران امروزی در نسل بعدی، زنان قدرتمندتری از جنبه عاطفی و اجتماعی باشند تا بتوانند پایه‌پای مردان از چالش‌های عاطفی عبور کنند.

در ادامه، به ارائه پیشنهادهایی پرداخته می‌شود که در دیگر کشورها انجام پذیرفته است:

عبدالرزاق (Abdul Razzaq, 2012) بازنمایی کارگران مهاجر در یکی از روزنامه‌های مالزی را با بهره‌گیری از رویکرد تاریخی - گفتمانی ووداک (Wodak, 2001; quoted in Abdul Razzaq, 2012) و بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 1996; quoted in Abdul Razzaq, 2012) بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که روزنامه‌های مالزی، کارگران مهاجر را به صورت منفی بازنمایی کرده‌اند. در واقع، از جنبه فرصت‌های شغلی، کارگران مهاجر، رقیبان افراد بومی تلقی شده و نیز به عنوان تهدیدی برای امنیت اجتماعی بازنمایی شده‌اند. افزون بر این، سخنان مقامات مالزی نظیر رئیس‌جمهور نیز موجب تقویت بازنمایی منفی کارگران مهاجر در این روزنامه شده‌است.

ریحان و همکاران (Rayhan et al., 2013) مؤلفه حذف از الگوی کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008; quoted in Rayhan et al., 2013) را در اخبار روزنامه جاکارتابست اندونزی بررسی کردند. مؤلفه حذف خود شامل دو عنصر پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی است. یافته‌ها نمایانگر آن بود که ۹۵٪ از کاربردهای مؤلفه حذف به صورت پنهان‌سازی بوده و فقط در ۵٪ از کاربردهای حذف از مؤلفه کم‌رنگ‌سازی استفاده شده‌است. روزنامه جاکارتابست با چنین استفاده‌ای از مؤلفه حذف و در نتیجه مؤلفه پنهان‌سازی، هیچ ردپایی از کنشگران مربوطه در اخبار بر جا نگذاشته و فقط در ۵٪ از موارد حذف که با استفاده از کم‌رنگ‌سازی بازنمایی شدند، می‌توان به کنشگران حذف‌شده پی برد.

مارتینز لیرولا (Martinez Lirola, 2014) اخبار مربوط به برنامه بازگشت مهاجران را در چند روزنامه اسپانیایی بررسی کرد. ابزار تحلیل در این پژوهش، الگوی کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008; quoted in Martinez Lirola, 2014) بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که در اخبار مربوط به بازگشت مهاجران در این روزنامه‌ها، دو واقعیت وجود دارد: (۱) واقعیت گروه اکثریت، یعنی گروهی که دارای قدرت هستند و به وسیله سیاستمداران تصمیم‌گیرنده بازنمایی می‌شوند؛ (۲) واقعیت گروه اقلیت، که از آن‌ها خواسته شده از برنامه بازگشت پیروی کنند و به تصمیمات گروه دارای قدرت احترام بگذارند. بر این اساس، گروه اکثریت برتر از گروه اقلیت انگاشته شده‌است.

ریزدانوا (Risidaneva, 2018) بازنمایی زنان در اخبار مربوط به خشونت جنسی را در دو روزنامه متعلق به فرهنگ‌های مختلف (روزنامه بریتانیایی گاردین و روزنامه اندونزیایی جاکارتابست) بررسی و مقایسه کرد. ابزار وی برای تحلیل، مؤلفه نام‌دهی الگوی کنشگران اجتماعی ون لیون بود. نگارنده در پژوهش خود به منظور بررسی بهتر بازنمایی زنان، به بازنمایی مردان در این

اخبار نیز پرداخت. یافته‌ها نشان داد که رویکرد این دو روزنامه در بهره‌گیری از مؤلفه نام‌دهی متفاوت بود. روزنامه جاکارتا پست هم به قربانیان و هم به مجرمان از جنبه وضعیت حقوقی‌شان در پرونده‌های جنایی، نقش اعطا کرد، و بر طرفین پرونده‌ها تمرکز داشت. برعکس، روزنامه گاردین قربانیان را از جنبه سن و جنسیت‌شان طبقه‌بندی و مجرمان را با نام خانوادگی بازنمایی کرد و در بازنمایی‌ها از وضعیت حقوقی آن‌ها در پرونده بهره نگرفت. این رویکرد گاردین نمایانگر آن بود که این روزنامه بیشتر بر خود جنایت‌ها تمرکز داشت تا بر مشارکین پرونده‌ها.

۳. چارچوب نظری

در تحلیل گفتمان انتقادی، الگوهای گوناگونی برای بررسی متن‌ها وجود دارد. الگوی به‌کاررفته در این پژوهش، کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008) است. مبنای تحلیل ون لیون، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی است زیرا باور دارد که این مؤلفه‌ها، در مقایسه با مؤلفه‌های صرفاً زبان‌شناختی، شناخت عمیق‌تر و جامع‌تری از متن به دست می‌دهند. در ادامه، به صورت مختصر، به توضیح مؤلفه‌هایی که ون لیون برای بازنمایی کنشگران اجتماعی در متن معرفی کرده‌است پرداخته می‌شود. لازم به اشاره است که معادل‌ها برای مؤلفه‌های گفتمان‌مدار از یارمحمدی (Yarmohammadi, 2006) گرفته شده‌است.

بر اساس مدل کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008, p. 28)، بسته به هدف‌ها و منفعت‌های تولیدکنندگان متن، کنشگران اجتماعی در بازنمایی‌ها حذف^۱ یا اظهار^۲ می‌شوند. حذف به دو صورت کم‌رنگ‌سازی^۳ و پنهان‌سازی^۴ انجام می‌شود. در کم‌رنگ‌سازی، برخلاف پنهان‌سازی، اگرچه کنشگر حذف شده ولی ردپایی از آن در جای دیگری از متن وجود دارد و می‌توان با قطعیت مستدلی آن را بازسازی کرد، گرچه قطعیت هیچ‌گاه صد در صد نیست.

به جز حذف، بقیه مؤلفه‌ها از اجزای زیرمقوله‌های اظهار به شمار می‌آیند. فرآیند اظهار از سه زیربخش اصلی تشکیل شده‌است: (الف) تعیین نقش^۵، (ب) تعیین نوع اشاره^۶ و (ج) تعیین ماهیت^۷. تعیین نقش از دو زیرمقوله فعال‌سازی^۸ و منفعل‌سازی^۹ تشکیل شده‌است. اگر کنشگر اجتماعی به صورت نیرویی فعال، پویا و اثرگذار بازنمایی شود، از فعال‌سازی استفاده شده؛ ولی وقتی کنشگر

¹ exclusion

² inclusion

³ backgrounding

⁴ suppression

⁵ role allocation

⁶ reference allocation

⁷ type allocation

⁸ activation

⁹ passivation

به صورت عامل تأثیرپذیر بازنمایی شود، مؤلفه منفعل سازی به کار رفته است. منفعل سازی خود به دو گونه تأثیرپذیری مستقیم^۱ و تأثیرپذیری غیرمستقیم^۲ دسته بندی می شود.

در پیوند با با تعیین نوع اشاره، ون لیون (Van Leeuwen, 2008, p. 46) بیان کرده که کنشگران اجتماعی می توانند از مشخصه انسانی یا غیر انسانی برخوردار شوند. اگر کنشگر در مقام انسان و با استفاده از مواردی که دارای مشخصه ممیز انسان بودن است بازنمایی شود، از مؤلفه تشخیص بخشی^۳ بهره گرفته شده است. برعکس، در تشخیص زدایی^۴، کنشگر با استفاده از مشخصه های غیر انسانی بازنمایی می شود. تشخیص بخشی دارای دو زیرمقوله مشخص سازی^۵ و نامشخص سازی^۶ است. مشخص سازی یعنی زمانی که هویت کنشگران اجتماعی، مشخص و روشن باشد؛ برعکس نامشخص سازی. مشخص سازی خود به شیوه هایی انجام می پذیرد: (الف) پیوند زدن^۷ و پیوندزدائی^۸، (ب) تفکیک کردن^۹ و تفکیک نکردن^{۱۰}، (ج) نام دهی^{۱۱} و طبقه بندی^{۱۲}، (د) مشخص سازی تک موردی^{۱۳} و مشخص سازی چندموردی^{۱۴}. در پیوند زدن، کنشگران در قالب گروهی بازنمایی می شوند که در مورد فعالیت یا دیدگاه خاصی هم نظر و هم رأی هستند. تفکیک کردن یعنی یک فرد یا گروه به طور آشکاری از دیگر گروه های مشابه تفکیک می شود. هنگامی که کنشگران اجتماعی بر اساس نام و هویت منحصر به فرد خود یاد شوند از مؤلفه نام دهی بهره گرفته شده است. نام دهی می تواند رسمی^{۱۵}، نیمه رسمی^{۱۶} یا غیر رسمی^{۱۷} باشد. نام دهی رسمی مانند «خانم کریمی»، نام دهی نیمه رسمی مانند «مرضیه کریمی» و نام دهی غیر رسمی مانند «مرضیه». عنوان دهی هم شیوه ای از نام دهی است که از دو جنبه مقام دهی^{۱۸} و نسبت دهی^{۱۹} تشکیل شده است. مقام دهی مانند «دکتر کریمی» و نسبت دهی مانند خاله مرضیه. وقتی کنشگران با توجه به نقش ها و هویت مشترکشان با دیگران بازنمایی شوند، از مؤلفه طبقه بندی بهره گرفته شده است. طبقه بندی

1 subjection

2 beneficialization

3 personalization

4 impersonalization

5 determination

6 indetermination

7 association

8 dissociation

9 differentiation

10 indifferenciation

11 nomination

12 categorization

13 single determination

14 overdetermination

15 formalization

16 semi-formalization

17 informalization

18 honorification

19 affiliation

خود به سه شیوه نقش‌دهی^۱، ارزش‌دهی^۲ (مثبت یا منفی) و هویت‌دهی^۳ انجام می‌گیرد. نقش‌دهی یعنی وقتی کنشگران با توجه به نقشی که به آن‌ها داده می‌شود یا کاری که انجام می‌دهند، طبقه‌بندی شوند، مانند معلم. گاهی ممکن است شخص یا گروه براساس ارزش فرهنگی یا اجتماعی که به آن‌ها داده شده‌است طبقه‌بندی شوند؛ که در این صورت از مؤلفه ارزش‌دهی بهره گرفته شده‌است. گاهی نیز ممکن است کنشگران بر اساس ویژگی‌های ذاتی و دائمی خود طبقه‌بندی شوند و به آن‌ها هویت خاصی داده شود که در این صورت از مؤلفه هویت‌دهی بهره گرفته شده‌است. هویت‌دهی خود شامل هویت‌بخشی مقوله‌ای^۴، هویت‌بخشی نسبتی^۵، هویت‌بخشی ظاهری^۶ است. در هویت‌بخشی مقوله‌ای، کنشگران با توجه به مقوله‌هایی که جامعه یا نهادها آن‌ها را از هم متمایز می‌کند، بازنمایی می‌شوند؛ مانند سن، جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب، حرفه، طبقه اجتماعی و موارد مشابه. در هویت‌بخشی نسبتی، کنشگران با توجه به رابطه‌های خویشاوندی، کاری، دوستی و شخصی بازنمایی می‌شوند. در هویت‌بخشی ظاهری، کنشگران برحسب ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری، اندام یا عضو خود، که در یک بافت ویژه که منحصرأً مشخص‌کننده آن‌ها است، بازنمایی می‌شوند. هنگامی کنشگر در یک نقش اجتماعی واحد شرکت دارد و در قالب یک نقش منفرد بازنمایی شود از مؤلفه مشخص‌سازی تک‌موردی و وقتی به طور هم‌زمان در چند نقش حضور داشته باشد از مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی بهره گرفته شده‌است. مشخص‌سازی چندموردی شامل چهار زیرمقوله وارونگی^۷، نمادین‌شدگی^۸، دلالت ضمنی کردن^۹ و فشرده‌شدگی^{۱۰} است. وارونگی زمانی است که کنشگر، با دو نقش متضاد و وارونه هم بازنمایی شود. در نمادین‌شدگی، به جای کنشگران واقعی از کنشگران خیالی، اسطوره‌ای و یا داستانی استفاده می‌شود. در دلالت ضمنی کردن، یک کنشگر مشخص منحصربه‌فرد، مقوله یا نقش دیگری را هم به عهده دارد. در فشرده‌شدگی، مشخص‌سازی از طریق ترکیبی از تعمیم و انتزاع‌سازی انجام می‌گیرد. صفتی ویژه از گروهی از مردمان انتزاع می‌گردد و سپس به هریک از افراد آن گروه داده می‌شود. تشخیص‌بخشی به دو گونه انتزاعی کردن^{۱۱} و عینی کردن^{۱۲} دسته‌بندی می‌شود. در انتزاعی کردن، کنشگر با صفت و کیفیت بازنمایی می‌شود.

¹ functionalization

² appraisalment

³ identification

⁴ physical identification

⁵ relational identification

⁶ physical identification

⁷ inversion

⁸ symbolization

⁹ connotation

¹⁰ distillation

¹¹ abstraction

¹² objectivation

عینی کردن با شیوه‌های گوناگون و با اهداف مختلف انجام می‌گیرد. هدف از آن، گاهی اقتداربخشی به افراد و گاهی سلب مسئولیت از کنشگر اصلی است. عینی کردن به چهار شیوه مکان‌مداری^۱، ابزارمداری^۲، گفته‌مداری^۳ و اندام‌مداری^۴ انجام می‌پذیرد. در مکان‌مداری، کنشگر به وسیله مکانی بازنمایی می‌شود که در بافتی مشخص، با آن بسیار عجین شده‌است. در ابزارمداری، کنشگر به وسیله ابزار بازنمایی می‌شود. در این حالت، ابزار مورد استفاده عامل به جای خود عامل بازنمایی می‌شود. در گفته‌مداری، کنشگران اجتماعی به وسیله گفته‌ها و نوشته‌های خود بازنمایی می‌شوند. در اندام‌مداری، کنشگران اجتماعی به وسیله بخشی از بدن خود بازنمایی می‌شوند.

آخرین زیربخش مؤلفه اظهار، تعیین ماهیت است. تعیین ماهیت کنشگران اجتماعی هم مانند تعیین نقش و تعیین نوع اشاره اهمیت بسیاری دارد. کنشگران می‌توانند به صورت عام (جنس‌ارجاعی^۵) یا خاص (نوع‌ارجاعی^۶) بازنمایی شوند. هنگامی که کنشگران به صورت طبقه‌ها و افراد عام بازنمایی شوند از جنس‌ارجاعی، و وقتی به صورت مشخص و قابل شناسایی بازنمایی شوند از نوع‌ارجاعی استفاده شده‌است. نوع‌ارجاعی شامل دو زیرمقوله فردارجاعی^۷ و گروه‌ارجاعی^۸ است که در آن‌ها کنشگران به ترتیب به صورت فرد و گروه بازنمایی می‌شوند. گروه‌ارجاعی دارای دو زیرمقوله کلی‌ارجاعی^۹ و مجموعه‌ارجاعی^{۱۰} است. اگر گروه‌های کنشگران با اعداد و ارقام نشان داده شوند از مؤلفه مجموعه‌ارجاعی بهره گرفته شده؛ در غیر این صورت مؤلفه کلی‌ارجاعی به کار رفته‌است.

برای سهولت تجسس مؤلفه‌های انگاره کنشگران اجتماعی ون لیون (Van Leeuwen, 2008)، نمودار (۱) مشتمل بر تمام مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی ارائه شده‌است.

1 spatialization

2 instrumentalization

3 utterance autonomization

4 somatization

5 genericization

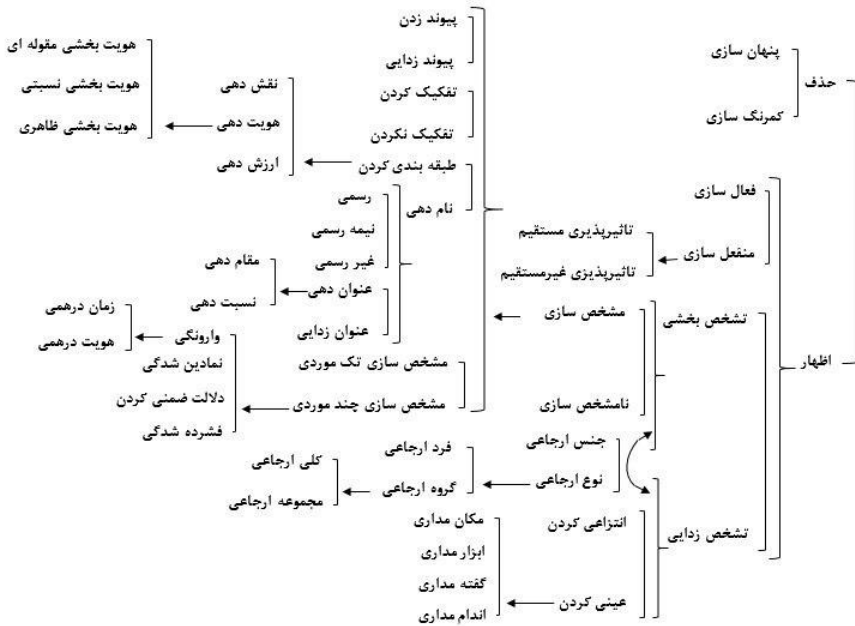
6 specification

7 individualization

8 assimilation

9 collectivation

10 aggregation



شکل ۱: مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون

(Van Leeuwen, 2008, p. 52)

۴. روش‌شناسی

داده‌های این پژوهش شامل پنجاه روایت از زنانی است که خشونت خانگی تجربه کرده‌اند. روایت‌های مورد بررسی از کانال تلگرامی با عنوان *کارزار منع خشونت خانوادگی* گرفته شده است. این کارزار برای گردآوری روایت از زنان تحت خشونت خانگی، با هدف کمک به تصویب قانونی اساسی برای حمایت از زنان تحت خشونت خانوادگی، فعالیت می‌کند. تا زمان انجام این پژوهش، در مجموع ۴۵۶ روایت در این کانال موجود بود که یا توسط خود زنان خشونت‌دیده یا توسط خانواده، دوستان و خویشاوندان آن‌ها بیان شده بود. از بین ۴۵۶ روایت موجود در این کارزار، ۱۵۳ روایت مستقیماً توسط خود زنان خشونت‌دیده نقل شده بود که از این میان، پنجاه روایت به طور تصادفی انتخاب و با الگوی کنشگران اجتماعی (Van Leeuwen, 2008) تجزیه و تحلیل شده‌است. لازم به اشاره است که در این روایت‌ها، تحلیل در سطح جمله انجام گرفته و روش تحلیل، توصیفی-تحلیلی است. در بخش تجزیه و تحلیل به منظور سهولت در خواندن نتایج، جدول‌هایی آماری ارائه شده که شامل فراوانی و درصد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به کاررفته در روایت‌ها است. همچنین، فقط به بررسی بازنمایی کنشگران اصلی خشونت، اعم از زن خشونت‌دیده و افراد خشونت‌گر، بسنده شده و از بررسی کنشگرانی که

نقش کم‌رنگی در اعمال یا تحمل خشونت داشته‌اند خودداری شده‌است. افزون بر کنشگرانی که به صورت آشکار بازنمایی شده‌اند و از آن‌ها نام برده شده، کنشگران اصلی که به صورت ضمیر مستتر بازنمایی شده‌اند، نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است، زیرا زبان فارسی ضمیرانداز است و فاعل بسیاری از کنش‌ها، با ضمیر مستتر بازنمایی می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، تمام پنجاه روایت از خشونت را خود زنانِ خشونت‌دیده‌ای که نقل کرده‌اند، تجربه کرده بودند.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، به تجزیه و تحلیل روایت‌های مورد بررسی می‌پردازیم. جدول‌های ارائه شده در این بخش، فراوانی و درصد وقوع مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را نشان می‌دهد. جدول (۱) کاربرد انواع مؤلفه‌های حذف و جدول (۲) کاربرد انواع مؤلفه‌های اظهار را نشان می‌دهد. در هر دو جدول، ستون اول جدول را مؤلفه‌های گفتمان‌مدار تشکیل می‌دهد؛ ستون دوم مربوط به مؤلفه‌هایی است که زنان خشونت‌دیده برای بازنمایی خود به کار گرفته‌اند و ستون سوم مؤلفه‌هایی است که این زنان برای بازنمایی آن دسته از اعضای خانواده‌شان که به آن‌ها خشونت روا داشته‌اند، استفاده کرده‌اند. جدول (۳) نیز مجموع فراوانی و درصد مؤلفه‌های حذف و مؤلفه‌های اظهار را نشان می‌دهد. دلیل اینکه مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی که در چارچوب نظری مقاله معرفی کردیم در جدول زیر مشاهده نمی‌شود این است که در روایت‌ها از همه مؤلفه‌ها استفاده نشده و مؤلفه‌های به کاررفته در روایت‌ها، در جدول آمده‌است. لازم به اشاره است که اگر در جمله یا نمونه‌ای تمام مؤلفه‌ها بیان نشده‌اند به این دلیل است که هدف، فقط ارائه مثال‌هایی برای هر مؤلفه بوده، نه ارائه تحلیل تمام مؤلفه‌ها در این جا؛ هرچند که در تجزیه و تحلیل روایت‌ها تمام مؤلفه‌های به کاررفته مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: فراوانی و درصد مربوط به انواع مؤلفه‌های گفتمان‌مدار حذف در پیوند با خشونت‌دیدگان و خشونت‌گران در روایت‌های زنان خشونت‌دیده

انواع مؤلفه‌های گفتمان‌مدار حذف		افراد خشونت‌گر		زنان خشونت‌دیده	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
		۳۰	۱۲	۰	۰
		۷۰	۲۸	۱۰۰	۶
		۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۶

یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که مؤلفه‌های حذف در پیوند با بازنمایی افراد خشونت‌گر

کاربرد بیشتری داشته؛ به گونه‌ای که برای بازنمایی این افراد روی هم رفته، دوازده بار از مؤلفه گفتمان مدار پنهان‌سازی استفاده شده، ولی برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده حتی یک بار هم استفاده نشده است. کاربرد مؤلفه کم‌رنگ‌سازی در پیوند با خشونت‌گران هم بیشتر از خشونت‌دیدگان است. در نمونه‌های (۱) و (۲) به شرح این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

۱. خشونت‌نی که به من اعمال شده از نظر روحی مورد بی‌احترامی و بی‌حرمتی قرار گرفته‌ام که پس از تحمل بسیار، مبتلا به بیماری شدم؛ چون از درون بسیار آزار دیدم. کسی را نداشتم برای گلایه. خیلی اوقات مورد ضرب و شتم هم قرار گرفتم.

۲. فضای خانه همیشه همراه با استرس و ترس بود، زیرا اعضای خانه برای کوچکترین کار مورد بازخواست قرار می‌گرفتند. اگر کاری انجام می‌شد که مخالف نظر پدر بود مشاجره و درگیری به وجود می‌آمد. انگار همه کارها باید مطابق میل او پیش می‌رفت. . . . حساسیت شدید روی مسائل باعث ایجاد مشکلات روحی شد تا جایی که استقلال و اعتماد به نفس از بین رفت.

همان‌گونه که در روایت (۱) مشاهده می‌شود، هیچ اثری از شخصیت خشونت‌گر وجود ندارد و در نتیجه پنهان‌سازی انجام گرفته است. در روایت (۲) خشونت‌گر که نقش فعالی در اعمال خشونت داشته کم‌رنگ شده است؛ فردی که عامل استرس و ترس بوده، فردی که اعضای خانه را بازخواست کرده، فردی که مشکلات روحی ایجاد کرده و استقلال و اعتماد به نفس را از بین برده حتی یک بار هم به صورت کنشگری فعال از او نام برده نشده و در کل این روایت فقط یک بار از او نام برده شده است: «اگر کاری انجام می‌شد که مخالف نظر پدر بود»، اگرچه نقش گفتمانی پدر در این جمله فعال‌سازی است ولی با استفاده از نقش دستوری متمم بیان شده؛ دلیل آن می‌تواند همان ترس از خشونت‌گر یا نگاه بالا به پایین خشونت‌گر به خشونت‌دیده که در جامعه وجود دارد، باشد که البته در گفتار خود افراد خشونت‌دیده هم بازنمایانده شده است. در همین روایت نمونه‌ای از کم‌رنگ‌سازی خشونت‌دیده هم مشاهده می‌شود؛ در دو جمله «اگر کاری انجام می‌شد که مخالف نظر پدر بود/ همه کارها باید مطابق میل او پیش می‌رفت» کنشگرانی که کارها را انجام می‌دهند با استفاده از مؤلفه کم‌رنگ‌سازی بازنمایی شده‌اند و از مابقی متن می‌توان فهمید که این کنشگران همان اعضای خانه هستند. این نوع به کارگیری می‌تواند برای به حاشیه بردن نقش فعال خود، یا برای تأکید بر خواسته و خودخواهی خشونت‌گر باشد. در همین جمله «همه کارها باید مطابق میل او پیش می‌رفت»، برای بازنمایی فرد خشونت‌گر، یعنی پدر، هم از کم‌رنگ‌سازی استفاده شده است. زیرا مرجع ضمیر منفصل «او» پدر است و این موضوع از جمله‌های پیشین قبل

دریافت است، بنابراین دارای مؤلفه کم‌رنگ‌سازی است.

در جدول (۲) میزان استفاده از انواع مؤلفه‌های اظهار، بر مبنای فراوانی و درصد بیان شده است. در ادامه، نمونه‌هایی برای هر یک از این مؤلفه‌های به کاررفته ارائه می‌شود.

جدول ۲: فراوانی و درصد مربوط به انواع مؤلفه‌های گفتمان‌مدار اظهار در رابطه با خشونت‌دیدگان و خشونت‌گران در روایت‌های زنان خشونت‌دیده

زنان خشونت‌دیده		افراد خشونت‌گر		انواع مؤلفه‌های گفتمان‌مدار اظهار
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۶/۱۳	۳۹	۹۴/۲۸	۶۶	فعال‌سازی
۲۳/۲۱	۶۲	۱۹/۲۷	۶۲	فعال‌سازی با استفاده از ضمیر مستتر
۵۹/۳۴	۱۰۱	۰۲/۷	۱۶	منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم
۳۴/۰	۱	۴۳/۰	۱	منفعل‌سازی تأثیرپذیری غیرمستقیم
۸۰/۴	۱۴	۰	۰	منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم با استفاده از ضمیر مستتر
۴۵/۴	۱۳	۵۸/۶	۱۵	ارزش‌دهی منفی
۳۴/۰	۱	۳۲/۱	۳	ارزش‌دهی مثبت
۸۰/۴	۱۴	۳۰/۱۹	۴۴	هویت‌دهی نسبی
۰	۰	۸۸/۰	۲	نمادین‌شدگی
۳۴/۰	۱	۳۲/۱	۳	نامشخص‌سازی
۴۸/۵	۱۶	۰	۰	اندام‌مداری
۰	۰	۳۲/۱	۳	ابزار‌مداری
۴۲/۳	۱۰	۸۸/۰	۲	جنس‌ارجاعی
۶۸/۰	۲	۰	۰	انتزاعی‌کردن
۳۷/۱	۴	۴۳/۰	۱	مجموعه‌ارجاعی
۳۴/۰	۱	۰	۰	فردارجاعی
۰	۰	۳۲/۱	۳	کلی‌ارجاعی
۷۲/۱	۵	۷۵/۱	۴	پیوندزدن
۷۴/۲	۸	۳۲/۱	۳	تفکیک‌کردن
۱۰۰	۲۹۲	۱۰۰	۲۲۸	مجموع

۳. از کودکی حتی تا اکنون پسرعمویم هر وقت مرا دیده تلاش کرده در خفا به سینه‌ها و بالاتنه من دست بزند.

۴. من همان قدر [که] از همسر ناراحت و دلخورم از اون خانمی که وارد زندگیم شد بیشتر و بیشتر دلخورم. واقعا ازش متنفرم.

در مثال (۳) **پسرعمویم**، که فرد خشونت‌گر است، با استفاده از مؤلفه فعال‌سازی و نیز هویت‌دهی نسبتی بازنمایی شده‌است. دلیل فعال بودن کنشگر در این جمله این است که **پسرعمویم** فاعل فعل‌های «دیدن»، «تلاش کردن» و «دست زدن» است پس فعال بوده و دارای مؤلفه فعال‌سازی است. **مرا**، که فرد خشونت‌دیده است، با استفاده از مؤلفه منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم بیان شده؛ فرد خشونت‌دیده همچنین با استفاده از مؤلفه اندام‌مداری، یعنی **سینه‌ها** و **بالاتنه**، بازنمایی شده‌است. در همه روایت‌های بررسی‌شده، مؤلفه اندام‌مداری فقط برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده به کار رفته و کاربرد آن یا برای بازنمایی مورد تجاوز قرار گرفتن یا برای بازنمایی مورد ضرب و شتم قرار گرفتن بوده‌است. در نمونه (۴) **من** که فرد خشونت‌دیده است با استفاده از مؤلفه فعال‌سازی بازنمایی شده‌است. در این جا فرد خشونت‌دیده واقعاً کنشی را انجام نداده بلکه احساس خود را بیان کرده‌است.

۵. من از طرف همسر مورد خشونت قرار می‌گیرم. او هر روز صبح من را وادار می‌کند به پارک بروم و برنج بفروشم. یک روز از شوهرم خواستم که صد تومن وام بگیرم... ولی او عصبانی شد و در قندان را به سمت من پرت کرد. با فحش و داد و بیداد من را از خودش دور کرد... اگر حرف او را گوش ندهم مرا مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.

در نمونه (۵) فرد خشونت‌دیده که با ضمیر **من** بازنمایی شده، اگر چه نقش دستوری فاعل دارد ولی نقش گفتمانی آن در واقع منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم است؛ و **همسر**، اگر چه با استفاده از گروه حرف اضافه بیان شده ولی نقش گفتمانی فعال‌سازی دارد. زیرا در حقیقت کارگزار **همسر** است که خشونت اعمال کرده و این کارگزار با استفاده از مؤلفه هویت‌دهی نسبتی نیز بازنمایی گشته، چون رابطه خویشاوندی او بازنمایی شده‌است. در جمله «از شوهرم خواستم که صد تومن وام بگیرم» فرد خشونت‌گر، که **شوهرم** است، با مؤلفه منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم بازنمایی شده‌است. از آن جایی که زبان فارسی زبانی ضمیرانداز است، در بسیاری از روایت‌ها ضمیرها بسیار حذف شده بودند. در این موارد، فرض بر حضور آشکار ضمیر بود و برای جدا کردن این گونه مؤلفه‌ها از مؤلفه‌های آشکار متناظر، از پاره‌گفته مستتر استفاده شد؛ به این صورت که در چنین جمله‌ای، مؤلفه مربوط به بازنمایی فرد خشونت‌دیده، که خواستار

گرفتن وام بوده، با عنوان «فَعَال سازی با استفاده از ضمیر مستتر» بیان شده است. این نوع کاربرد ضمیرهای مستتر در روایت‌ها فراوان بود و قابل چشم‌پوشی نبود. در جمله «با فحش و داد و بیداد من را از خودش دور کرد» و جمله «... مرا مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد» نیز همین گونه کاربرد فَعَال سازی با استفاده از ضمیر مستتر مشاهده می‌شود، لیکن برای فرد خشونت‌گر. پاره گفته «فحش و داد و بیداد» هم برای فرد خشونت‌گر ارزش منفی دارد.

۶. پدر و مادرم به زور شوهرم دادن. طرف شوهرم من رو نوکر حساب کردن. واسه ۱۲ نفر غذا می‌پختم. پدر شوهرم زد یکی از چشمام رو کور کرد. بعد ۶ سال بچه دار شدم. شوهرم تو خونه پدرش من رو ترک کرد. رفت. موندم. هم کار می‌کردم هم کتک می‌خوردم...
در نمونه (۶)، جمله «هم کار می‌کردم هم کتک می‌خوردم» هم دربردارنده مؤلفه فَعَال سازی با استفاده از ضمیر مستتر است و هم دربردارنده مؤلفه منفعل سازی با استفاده از ضمیر مستتر. فَعَال سازی با استفاده از ضمیر مستتر **من** در جمله «هم کار می‌کردم» به کار رفته؛ و جمله «هم کتک می‌خوردم» اگرچه فاعل آن ضمیر مستتر **من** است، ولی نقش گفتمانی **من** منفعل سازی تأثیرپذیری مستقیم است و چون به صورت مستتر به کار رفته از اصطلاح «منفعل سازی تأثیرپذیری مستقیم با استفاده از ضمیر مستتر» استفاده شده است. از آن جایی که این نوع کاربرد هم بسیار مشاهده شد، امکان چشم‌پوشی از آن وجود نداشت. واژه **نوکر** ارزش منفی دارد و فرد خشونت‌دیده از این مؤلفه ارزش‌دهی منفی برای بازنمایی خود استفاده کرده است.

۷. همسرم اعتیاد به شیشه دارد. ده سال است، نه تنها شیشه بلکه تریاک، متادون و غیره. سه فرزند پسر دارم و در هنگام کشیدن مواد، پسرهایم را به باد کتک می‌گیرد. تهمت می‌زند و اگر پسرهایم اقرار نکنند من با کسی رابطه دارم پسرهایم را تا حد مرگ کتک می‌زند... اگر در خانه نباشم فرزندانم امنیت جانی ندارند. با کابل به جان من می‌افتند...
در نمونه (۷)، هم شاهد کاربرد مؤلفه هویت‌دهی نسبتی هستیم، **همسرم** و **پسرهایم**. افزون بر این، شاهد کاربرد مؤلفه ابزارمداری هم هستیم: «با کابل به جان من می‌افتد». در این جا کنشگر فَعَال بازنمایی نشده و از ابزار کتک‌زدن برای بازنمایی استفاده شده است.

۸. ... مردان آزادی جنسی داشتند ولی زنان باید نجیب می‌بودند. دخترها با ازدواج ارزش‌گذاری می‌شوند.
در نمونه (۸)، هم شاهد کاربرد مؤلفه هویت‌دهی نسبتی هستیم، **همسرم** و **پسرهایم**. افزون بر این، شاهد کاربرد مؤلفه ابزارمداری هم هستیم: «با کابل به جان من می‌افتد». در این جا کنشگر فَعَال بازنمایی نشده و از ابزار کتک‌زدن برای بازنمایی استفاده شده است.

۹. ... مادرم همیشه دعوام می‌کرد که دختر نباید بالای ۲۰ سال مجرد بمونه و باید به سرعت ازدواج کند.

در نمونه‌های (۸) و (۹) شاهد کاربرد مؤلفه جنس‌ارجاعی هستیم؛ جنس ارجاعی یعنی حالتی

که همه کنشگران را در بر می‌گیرد و استثنایزیر نیست. واژه‌های **مردان**، **زنان** و **دخترها** در نمونه (۸) و واژه **دختر** در نمونه (۹) مواردی از کاربرد مؤلفه جنس‌ارجاعی در روایت‌های مورد بررسی است.

جدول ۳: فراوانی و درصد مجموع مؤلفه‌های حذف در برابر بسامد و درصد مجموع مؤلفه‌های اظهار

درصد	فراوانی	
۱۳/۸	۴۶	مجموع مؤلفه‌های حذف
۸۷/۹۱	۵۲۰	مجموع مؤلفه‌های اظهار
۱۰۰	۵۶۶	کل

جدول (۳) که آمار مجموع مؤلفه‌های حذف و آمار مجموع مؤلفه‌های اظهار را بر مبنای فراوانی و درصد نشان می‌دهد، نمایانگر آن است که در روایت‌های مورد بررسی، میزان استفاده از مؤلفه اظهار به مراتب بیشتر از مؤلفه حذف بوده و این نشان می‌دهد که تولیدکنندگان روایت‌ها کوشیده‌اند کارگزاران را، از جمله افراد خشونت‌گر و خشونت‌دیده، چه به صورت فعال، چه به صورت منفعل و چه با استفاده از سایر مؤلفه‌های اظهار، نشان دهند.

روی هم رفته، ارقام و تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته بر روی روایت‌ها نشان می‌دهد که زنان خشونت‌دیده برای بازنمایی خود از مؤلفه‌های کمتر و برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده از مؤلفه‌های بیشتری بهره گرفته‌اند. مؤلفه‌هایی که برای بازنمایی افراد خشونت‌گر بیشترین فراوانی را داشته‌اند به ترتیب مشتمل اند بر فعال‌سازی (۹۴/۲۸٪)، فعال‌سازی با استفاده از ضمیر مستتر (۲۷/۱۹٪)، هویت‌دهی نسبتی (۳۰/۱۹٪)، منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم (۰۲/۷٪)، ارزش‌دهی منفی (۵۸/۶٪) و کم‌رنگ‌سازی (۷۰٪). مؤلفه‌های پربسامد برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده به ترتیب مشتمل اند بر منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم (۵۹/۳۴٪)، فعال‌سازی با استفاده از ضمیر مستتر (۲۳/۲۱٪)، فعال‌سازی (۳۶/۱۳٪) و اندام‌مداری (۵/۴۸٪).

در پیوند با بازنمایی افراد خشونت‌گر از مؤلفه‌های پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی به میزان بیشتری بهره گرفته شده؛ که دلیل آن می‌تواند تأکید بر مورد خشونت قرار گرفتن افراد خشونت‌دیده، یا نگاه بالا به پایینی که در جامعه درمورد زنان وجود دارد، باشد. همچنین می‌تواند به این سبب باشد که چون خشونت‌گرها عضوی از خانواده خشونت‌دیدگان هستند، افراد خشونت‌دیده نخواسته‌اند اعضای خانواده خود را آن‌قدر هم بد جلوه بدهند و در نتیجه به طور

غیرمستقیم به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

نخستین مؤلفه پربسامد در پیوند با افراد خشونت‌گر مؤلفه فعال‌سازی است، چه به صورت آشکار و چه به صورت مستتر. دلیل پربسامد بودن آن این است که افراد خشونت‌گر هستند که کنش و در واقع خشونت را انجام می‌دهند و افراد خشونت‌دیده متحمل این خشونت می‌شوند و انتظار می‌رود که در این رابطه، استفاده از مؤلفه فعال‌سازی برای خشونت‌دیدگان کمتر باشد و برعکس، بیشتر از مؤلفه منفعل‌سازی برای بازنمایی خشونت‌دیدگان استفاده شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه در پیوند با افراد خشونت‌دیده به میزان کمتری از مؤلفه فعال‌سازی، هم آشکار و هم ضمیر مستتر، بهره گرفته شده، ولی به هر حال کاربرد این مؤلفه در روایت‌ها کم نبوده؛ دلیلش شاید این باشد که افراد خشونت‌دیده خود را هم مقصر می‌دانند و جایگاه پایینی برای خود متصور هستند. همان‌نگاه بالا به پایین که در جامعه وجود دارد در ذهن و ایدئولوژی حاکم بر افراد خشونت‌دیده هم وجود دارد و در گفتارشان هویدا می‌شود.

پربسامدترین مؤلفه برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده، مؤلفه منفعل‌سازی است، چه به صورت آشکار و چه به صورت ضمیر مستتر. طبیعی است که چنین نتیجه‌ای به دست آید و در واقع همین انتظار می‌رفت. چون این افراد خشونت‌دیده هستند که متحمل خشونت و کنش شده‌اند و خودشان کنش چندانی انجام نداده‌اند، در نتیجه بیشتر از مؤلفه منفعل‌سازی برای بازنمایی آن‌ها استفاده می‌شود. استفاده از این مؤلفه برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده گاهی اوقات برای به حاشیه بردن خود و تأکید بر عمل خشونت و نیز پررنگ‌تر کردن خشونت بوده‌است. گاهی اوقات افراد خشونت‌دیده اگرچه نقش دستوری فاعل داشته‌اند، یا به صورت ضمیر متصل بیان شده‌اند، ولی نقش گفتمانی آن‌ها منفعل بوده‌است.

مؤلفه اندام‌مداری فقط برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده به کار رفته‌است، آن هم برای بازنمایی کنک خوردن یا مورد تجاوز قرار گرفتن. استفاده از مؤلفه اندام‌مداری می‌تواند نمایانگر کم‌اهمیت بودن خشونت‌دیده در ذهن خود و تأکید بر مورد خشونت قرار گرفتن باشد. مؤلفه ابزارمداری فقط برای بازنمایی فرد خشونت‌گر به کار رفته‌است. این نوع بازنمایی می‌تواند نشان‌دهنده به حاشیه بردن خشونت‌گر توسط خشونت‌دیده و سلب مسئولیت از او باشد. مؤلفه هویت‌دهی نسبتی برای بازنمایی خشونت‌گران بسیار به کار رفته‌است. دلیل آن هم این بوده که افراد خشونت‌گر اعضای خانواده افراد خشونت‌دیده بوده‌اند و طبیعی است که افراد خشونت‌دیده، اعضای خانواده خود را با استفاده از هویت‌دهی نسبتی، نظیر پدر و مادر، همسر، برادر و موارد مشابه، بازنمایی کنند.

در روایت‌های مورد بررسی، برای بازنمایی افراد خشونت‌گر و افراد خشونت‌دیده تقریباً به یک اندازه از مؤلفه ارزش‌دهی منفی استفاده شده است و تفاوت آن چندان زیاد نیست (۵۸/۶٪ برای بازنمایی افراد خشونت‌گر و ۴۵/۴٪ برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده). این نوع به کارگیری می‌تواند نمایانگر این امر باشد که افراد خشونت‌دیده تقریباً به همان میزانی که افراد خشونت‌گر را مقصّر می‌دانند، خود را نیز مقصّر می‌دانند و جایگاه پایینی برای خود در نظر می‌گیرند.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بازنمایی تعامل زبان از یک سو، و اندیشه و ایدئولوژی اهل زبان در پیشگاه تولید روایت توسط زنان خشونت‌دیده از سویی دیگر، به بررسی موضوع خشونت خانگی پرداخته و ابزار مورد استفاده، مدل کنشگران اجتماعی ون لیون (۲۰۰۸) بوده است. با واکاوی روایت‌های مورد بررسی دریافتیم که کاربرد مؤلفه حذف در مقایسه با مؤلفه اظهار بسیار محدود بوده است. این امر می‌تواند نمایانگر آن باشد که کنشگران به صورت برجسته نشان داده شده‌اند. به طور کلی، زنان خشونت‌دیده، برای بازنمایی افراد خشونت‌گر به میزان بیشتری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی بهره می‌گیرند. تفاوت کاربرد برخی از مؤلفه‌ها برای بازنمایی افراد خشونت‌گر و افراد خشونت‌دیده، چشمگیر است. از مؤلفه‌های حذف، هویت‌دهی نسبتی و فعال‌سازی و ارزش‌دهی منفی به میزان بسیار بیشتری برای بازنمایی افراد خشونت‌گر، و از مؤلفه‌های منفعل‌سازی، اندام‌مداری و جنس‌ارجاعی به میزان بسیاری بیشتری برای بازنمایی افراد خشونت‌دیده بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان داد که این نوع و میزان استفاده از مؤلفه‌ها شاید نمایانگر تصوّر جایگاه پایین‌تر زنان خشونت‌دیده از خودشان باشد. از این رو، این افراد خشونت‌دیده، افزون بر خشونت‌گر، خودشان نیز در تحمل خشونت شاید تا اندازه‌ای گناه کار باشند، و تقریباً همان اندازه به اعضای خانواده، هر چند هم که خشونت‌گر باشند، ارزش منفی می‌دهند که به خود می‌دهند. در نهایت، اینکه نگاه بالا به پایینی که در جامعه در مورد زنان وجود دارد، در گفتار و در نتیجه در ایدئولوژی خود زنان هم وجود دارد. برای تغییر ایدئولوژی حاکم بر جامعه و برای شکستن سنت‌های مضر و تبعیض‌کننده، لازم است که ابتدا زنان دیدگاه مثبتی نسبت به خود داشته باشند تا در پی آن، سایر اعضای جامعه هم دیدگاه برابر و مثبتی به آن‌ها داشته باشند.

فهرست منابع

آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

آقاگل زاده، فردوس، رضا خیرآبادی و ارسلان گلنم (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی». *جستارهای زبانی*. سال ۴. شماره ۱ (پیاپی ۱۳). صص ۱-۱۹.

اسدی، مسعود، ارسلان گلنم، فردوس آقاگل زاده و آرزیتا افراشی (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های زبان شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی». *جستارهای زبانی*. سال ۶. شماره ۲ (پیاپی ۲۳). صص ۱-۲۴.

اعزازي، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان». *رفاه اجتماعی*. سال ۴. شماره ۱۴. صص ۲۲-۴۳.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا، رحمان صحراگرد و محمدهادی فلاحي (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌ها گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی معنایی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. شماره ۱. صص ۷۳-۵۱.

حلاج‌زاده بناب، حسین، سید فرید خلیفه‌لو و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۷). «توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان دادگاه خانواده، زن‌های خواستار طلاق بر پایه دیدگاه ون‌دایک (۲۰۰۶): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی». *زبان پژوهی*. سال ۱۰. شماره ۲۸. صص ۳۱-۵۸.

خانی، سعید، جمال ادهمی، علی حاتمی و جواد بنی‌عامریان (۱۳۸۹). «بررسی خشونت خانوادگی در میان خانواده‌های شهر دهگلان با تأکید بر خشونت علیه زنان». *مطالعات جوانان*. سال ۱. شماره ۳. صص ۶۷-۹۰.

رحیمیان، جلال و فرشته محمدپور (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان انتقادی شخصیت زنان در داستان «مالیخولای محبوب من»». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. سال ۱۲. شماره ۴۸. صص ۲۲۴-۲۰۵.

صحراگرد، رحمان و حکیمه شیروانی (۱۳۹۱). «بازنمایی هویت شهروندان ایرانی مهاجر در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *دومین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. به کوشش فردوس آقاگل زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۲۵۶-۲۷۳.

صلّیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات آن.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.

یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *کنفرانس زبان‌شناسی ایران*. شماره ۶. صص ۴۲۱-۴۴۰.

References

- Abdul Razzaq, Sh. Kh. (2012). Discourse analysis of the representation of migrant workers in the star online Newspaper. *Asian Journal of Humanities and Social Sciences (AJHSS)*, 1 (3), 114-131.
<https://ajhss.org/archives/Vol1Issue3.htm>
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical discourse analysis*. Tehran: Scientific-Research co. (in Persian)
- Aghagolzadeh, F., Kheirabadi, R., & Golfam, A. (2013). The comparative study of the linguistic representation of Iranian and Western actors of Iran's nuclear program in international media (Van Leeuwen's Model (2008)). *Scientific Research Journal of Language Related Research*, 4 (1), 1-19. (in Persian)
<http://lrr.modares.ac.ir/article-14-2826-fa.html>
- Asadi, M., Golfam, A., Aghagolzadeh, F., & Afrashi, A. (2015). Linguistic and socio-semantic components and representation of social actors in press texts. *Language Related Research*, 6(23), 1-24 (in Persian)
<http://lrr.modares.ac.ir/article-14-1977-fa.html>
- Ezazi, S. (2005). Society structure and violence against women, *Social Welfare Quarterly*, 4 (14), 59-96. (in Persian)
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1894-fa.html>
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2001). *Language and power*. London: Longman.
- Fowler, R. (1991). *Language in the News: Discourse and ideology in the press*. London: Routledge.
- HallajZadeh Bonab, H., KhalifeLoo, S. F., & AghagoolZadeh, F., (2018). Description and analysis of ideological structures in family court discourse, divorce demanding women, based on Van Dijk (2006). *Journal of Language Research*, 10 (28), 31-58. (in Persian)
- Jorgenson, M., & Philips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London: Sage Publications.
- Khani, S., Adhami, J., Hatami, A., & Bani Amerian, J. (2011). A study of domestic violence among families of Dehghan City, with emphasis on violence against women, *Sociological Studies of Youth*, 1 (3), 67-90. (in Persian)
<http://noo.rs/CT6QC>
- Martinez Lirola, M. (2014). Legitimizing the Return of Immigrants in Spanish Media Discourse. *Brno Studies in English*, 40 (1), 129-147.
- Pahlavannezhad, M., Sahragard, R., & Fallahi, M. (2009). The methods of representing social activists in the publications of Mashrouitiyat period from a critical discourse analysis perspective regarding socio-semantic discursal features. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 1 (1), 51-73. (in Persian)
<http://noo.rs/pG2OB>
- Rahimian, J., & Mohammadpour, F. (2019). Critical discourse analysis of women's personality in the story of "My Favorite Melancholy". *Comparative Literature Studies*, 12 (48), 205-224 (in Persian) <http://noo.rs/lGsCZ>
- Rayhan, B. M., Heriyanto, M., & Citraesmana, E. (2013). The exclusion strategies of the representation of social actors in the case of FPI's rejection to Lady Gaga's performance in Indonesia on the Jakarta post newspaper headlines (A CDA Approach). *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World (IJLLALW)*, 4 (3), 33-49. URL:
<https://www.yumpu.com/en/document/view/51848354/the-exclusion->

- strategies-of-the-representation-of-social-actors-in-the-
Risdaneva, R. (2018). A critical discourse analysis of women's portrayal in News reporting of sexual violence. *Studies in English Language and Education*, 5 (1), 126-136. <https://doi.org/10.24815/siele.v5i1.9433>
- Sahragard, R., & Shirvani, H. (2013). Representation of the identity of Iranian immigrant citizens in press texts inside and outside the country from the perspective of critical discourse analysis regarding the socio-semantic features. In F. Aghagol Zadeh (Ed.), *Second conference on discourse analysis and pragmatics* (pp. 256-273). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Sidiq Sarvestani, R. (2005). *Social pathology (sociology of deviance)*. Tehran: An publication. (in Persian)
- Van Leeuwen, T. (1993). *Language and representation: The recontextualisation of participants, activities and reactions* (Doctoral dissertation). University of Sydney, Sydney, Australia.
- Van Leeuwen, T. (1996). The representation of social actors in C. R. Caldas-Coulthard and M. Coulthard (Eds.), *Texts and practices: Readings in critical discourse analysis* (32-70). London: Routledge.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice: New tools for critical discourse analysis*. Oxford University Press.
- Yarmohammadi, L. (2006). *Communication from the perspective of critical discourse analysis*. Tehran: Hermes Publications. [(in Persian)
- Yarmohammadi, L. & Seif, L. (2004). Representation of social actors in Palestinian and Israeli conflicts through socio-semantic features. *Iran Linguistics Conference*, 6, 421-440. (in Persian) URL: <http://noo.rs/vR16V>

وبگاهها

<https://harchyz.xyz/telegramCh/pdvcir>.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).